خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۶ . ۱۸ شوال ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۸۲

علیرضا قربانی در جدیدترین سری اجراهای خود با قطعه‌هایی از آلبوم "فروغ" و همچنین آثاری از جمله "ارغوان" در بروجرد روی صحنه می‌رود. به گزارش خبرگزاری میزان، قربانی در بیست و دومین شب از تیرماه با گلچینی از قطعه‌های آلبوم جدیدش با عنوان "فروغ" در این شهر روی صحنه می‌رود و علاوه بر قطعه‌های این آلبوم، منتخبی از دیگر آثارش را هم که پیشتر با استقبال ویژه مخاطبان این هنرمند رو به رو شد، روی صحنه می‌برد.

علیرضا قربانی در بروجرد روی صحنه می‌رود

ناگهانِ شعر

امیری فیروزکوهی

■ ۱

زندگی با یاد ایام جوانی می کنم
با خیال زندگانی، زندگانی می کنم
گرچه از روز ازل با مرگ پیمان بسته ام
باز هم از سست عهدی سخت جانی می کنم
پیش از این از ذوق هستی بود برجا ماندنم
وین زمان از بیم مردن زندگانی می کنم
بر لب من خنده از عهد جوانی مانده است
من به یاد شادمانی، شادمانی می کنم
نفس من در ناتوانی هم توانا در خطاست
گر توانم، کارها با ناتوانی می کنم
من که هرگز ناگهان، آهنگ رفتارم نبود
از جهان آهنگ رفتن ناگهانی می کنم
خنده مهری ندیدم از کسی بر روی خویش
من که با نامهربان هم مهربانی می کنم
دل ز غم چون اختران آسمان لرزد مرا
هر زمان یاد از قضای آسمانی می کنم
بهر مشتی استخوان کآخر سزاوار سگی است
روز و شب چون سگ به زحمت پاسبانی می کنم
سیر هر برگ از کتاب سرنوشت خویش را
در تماشاگه اوراق خزانی می کنم
گر چه رنج عمر و عیش این جهانم می کشد
آرزوی عمر و عیش آن جهانی می کنم
روز پیری هم گناهی دیگر از یاد گناه
در نهانگاه خیال خود، نهانی می کنم
آرزوها تا به عمر جاودان پاینده اند
گر کنم کاری، به عمر جاودانی می کنم
من که بودم از سبک روحی عنان دار نسیم
این زمان بر خاطر خود هم گرانی می کنم
زندگی با محنت بی عشقی و پیری «امیر»
من به حکم عادت از عهد جوانی می کنم

■ ۲

نشسته در دل خاکم به یاد دوست هنوز
دل گداخته را آرزوی اوست هنوز
نه عشق آینه رویی، نه ذوق هم سخنی
عجب که طوطی ما گرم گفت و گوست هنوز!
ز بیم خوی تو رازم نهفته ماند به دل
در این صدف گهر از پاس آبروست هنوز
از آن ز دلتنگی گمنامی ام، رهایی نیست
که چون صدف به لبم مهر آبروست هنوز
در این بهار چو اشک از کنار چشم ترم
مرو که خرمن گل در کنار جوست هنوز
چو پاره تن ما برد، نقد جان طلبد
عجوز دهر چو طفلان، بهانه جوست هنوز
ز همنشینی دل با غم تو در عجبم
که پیر گشت و همانش به دایه خواست هنوز
ز خوان هستی اش ای آسمان چه می رانی؟
که میهمان لقمه در گلوست هنوز
کس نماند کز آن تند خو کناره نکرد
«امیر» ماست که از جان اسیر اوست هنوز

■ ۳

نه تسلی شفیقی، نه محبت حبیبی
به جهان مباد چون من، که از این دو بی نصیبی
به کدام آشنایی به دری روم خدایا
که در این جهان چنانم که به منزل غریبی
ز حیات خویش سیرم، که به عمر خود ندیدم
ز جهان به جز فسونی، ز کسان به جز فریبی
چو خسیس بر فراز سر مهتری، ندارد
نه نشیب ما فرازی، نه فراز او نشیبی
ز سموم غم ندانم چه رسید این چمن را
که دگر در او نبینی نه گلی نه عندلیبی
نبرم به تیغ هم از تو که آفرید عشقم
به فراق ناصبوری، ز وصال بی شکیبی
به کدام بخت و طالع پی کار عشق گیرم؟
که به غیر بی نصیبی نبود مرا نصیبی
به کمال در دمندی طلب شفا ز خود کن
که نه در دمند باشد که بود کم از طبیبی
ز سخن «امیر» تنها، به همین خوش است ما را
که به صد کرشمه بیتی شنود ز ما ادیبی

■ ۴

نه مشوشم ز پیری و نه خوشدل از جوانی
که نبود هر دو الا که فریب زندگانی
به رضا نبود اگر لب ز شکایت از تو بستم
که ز لب برون نیاید سخنم ز ناتوانی
چو میسر است صحبت، مکن از حضور غفلت
تو که ناگهان نمانی، چه روی به ناگهانی!
به وصال هم ندارم دل از فراق غافل
همه دل به خویش لرزم، ز قضای آسمانی
بنگر به برگریزان که زبان هر ورق را
به فغان گشوده بینی، ز تطاول خزانی
به هزار گونه خواهش نفس از تعب برآید
که برآوری زمانی، نفسی به شادمانی
چه کنی به خیره دعوی که شناختی کسی را
تو ضمیر کس چه دانی؟ که ضمیر خود ندانی
به عدم ز ناتوانی نرویم و نه نبود
نه ز مرگ سست عهدی، نه ز خلق سخت جانی
نبود «امیر» در تو هنر مرید یابی
به تو هیچ کس نماند، تو به هیچ کس نمانی

دکتر میرجلال‌الدین کزازی در بیستمین نشست از مجموعه «درس گفتارهایی درباره خواجوی کرمانی» مطرح کرد:

سنجش خواجو و خواجه در شیوه سخنوری

در این گفتار قرار است این دو بزرگ مرد سخن فارسی یعنی خواجو و خواجه را با یکدیگر بسنجیم نخست از دید نامشان؛ سپس نگاهی به سخنوری آن دو می افکنیم. خواجه و خواجو ناگفته پیداست، دو ریخت از یک واژه‌اند. بخش نخستین واژه یعنی «خواج» بخش بنیادین است و «ـَه» و «او» پساوندهایی‌اند که به آن افزوده شده‌اند. این پساوندها در زبان پارسی مانند زبان پهلوی، پساوندهای بازخوانی‌اند. به سخن دیگر به یاری آن می‌توان از نام یا اسم، فروزه یا صفت ساخت. آن «ـَه» در خواجه در پهلوی «ـَک» بوده و «او» در خواجو «اوک» بوده است. مانند «آک» که در پارسی به «آ» فرو کاسته شده است یا «ایک» پساوندی که کاربردی گسترده‌تر دارد در پارسی به «ای» دیگرگون شده است.

حالا ببینیم بخش نخستین چه واژه‌ای است، چه پیشینه‌ای دارد و در چه معنایی به کار رفته است؟ این دو واژه خواجه و خواجو به راستی ریخت‌هایی از یکدیگرند؛ از واژه بسیار آشنای «خدای» در زبان پارسی که در پهلوی «خوتای» بوده است. خوتای، بعد خدای و سرانجام خدا. این واژه در بن به معنی سرور، سالار و پادشاه به کار می‌رفته است. از همین روست که نام کهن شاهنامه «خدای نامه» یا «خوتای نامک» بوده است. در این ترکیب خدای به معنای شاه است. خدایگان هنوز این معنا را در خود دارد چون خدایگان به معنی فرمانروای، فرّه‌مند و بزرگ است. هنگامی که این واژه از پهلوی به پارسی می‌رسد، کاربرد و معنای دیگری می‌یابد و یکی از نام‌های آفریدگار می‌شود. از همین روی نام خدای نامه هم به شاهنامه دیگرگونی می‌یابد و واژه همسنگ و هم‌معنی آن که شاه است، جای خدای را می‌گیرد. اما واژه خدای در کاربرد و معنای کهن در ریخت‌های پساوندی واژه همچنان در زبان پارسی پایدار می‌ماند یا در دیگر آمیغ (ترکیب)هایی که با واژه خدای ساخته می‌شوند. آشناترین نمونه آن خداوند است که در زبان پارسی دو کاربرد و معنی دارد. همچنان یکی از نام‌های یزدان پاک است، اما در کنار آن به معنای بزرگ، سرور و پادشاه هم به کار می‌رود که در پی آن در معنی دارنده و مالک است. نمونه را در بیت آغازین شاهنامه که می‌توانم گفت پرآوازه‌ترین و شناخته‌ترین بیت در پهنه سخن پارسی است: «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد» که در اینجا خداوند در معنی دارا، دارنده و مالک است.

در آمیغ‌هایی مانند دهخدای، کدخدای، ایران خدای و توران خدای همچنان خدای در کاربرد و معنای دیرین خویش به کار برده می‌شود. در واژگانی دیگر ما ریختی دیگر از این واژه را می‌توانیم یافت. شاید در آخوند. اگر «آ» را پیشاوند بدانیم نشانه‌ای که این انگاره را نیرو می‌بخشد آن است که پاره دوم واژه را با «واو» می‌نویسیم. یعنی آخوند می‌نویسیم و «اُخُند» می‌خوانیم. آن هم از این رو که آخوند پیشوای دین است، در قلمرو خود سرور است و سالار. همین ریخت را در «میرخواند» یا در ریخت وارونه آن «خواندمیر» می‌توانیم یافت که نام تاریخ‌نگاری پرآوازه هم هست. هنوز در زبان کردی بخشی از این واژه در معنای دارنده، سرور و سالار به کار می‌رود: «خاون» که ریخت کوتاه‌شده «خاوند» می‌باید بود. آنجا ریخت نوشتاری با ریخت گفتاری همساز شده است. چون خاون را بی «واو» می‌نویسند. در میرخواند و خواندمیر هنوز آن «واو» نوشته می‌شود. ریخت دیگری از این خوتای و خدای می‌باید «خواج» شده باشد که در ریخت «خواج» هم به کار رفته است که ریشه واژه‌ای کهن و کم کاربرد در زبان فارسی به نام «خواجه» به معنای تاج خروس است. شاید بر پایه این ریخت‌ها، ریختی از خوتای، «خواگ» بوده است که این خواگ به خواچ یا خواج و سرانجام به «خاچ» یا «خاج» دیگرگونی یافته است. پس خواجه از همین ریخت برآمده است. کسی که با سروری، سالاری، ارجمندی و بزرگی در پیوند است به همان سان خواجو. این انگاره را هم می‌توان در پیش نهاد که شاید خواجه ریختی باشد به یادگار مانده از ریخت کهینه خوتا. «خوتای چک» که در پارسی شناخته‌تر «خدای چه» می‌تواند بود، شده است خواجه. به هر روی خواجه و خواجو هر دو از یک بن آمده‌اند. هنوز این پساوند «او» در پاره‌ای از واژگان پارسی کاربرد دارد. شناخته‌ترین واژه «گردو» به معنای آنچه گرد است که ریخت دیگر آن گردکان است که هنوز در کردی و لری کاربرد دارد. به هر روی پیوند خواجه و خواجو در نام چنین پیشینه‌ای می‌تواند داشت.

■ **خواجو سخنوری پرآوازه و نامدار در روزگار خویش**

خواجو سخنوری است توانمند و پرآوازه که در روزگار خویش هم نامدار بوده است به همان سان در روزگاران سپسین. ناموری خواجو در ادب پارسی تا بدانجا بوده است که سخنوران دیگر که خواجو نامیده می‌شده‌اند، آنچنان در سایه او مانده‌اند که سروده‌هایشان را به خواجوی کرمانی بازخوانده‌اند. من تنها به یک نمونه بسنده می‌کنم؛ نمونه‌ای که بی گمان برای شما آشناست. یکی از درپیوسته‌های پرآوازه و بازخوانده به خواجوی کرمانی «سام‌نامه» است اما به شیوه شایان و دانشورانه می‌توان در این بازخوانی به گمان افتاد و در آن چندوچون کرد؛ زیرا سام‌نامه نه از دید پیکره و زبان و نه از دیدِ اندرونه و پیام چندان با یادگارهایی که از خواجو برجای مانده است، همساز و هماهنگ نیست. کزازی گفت: خواجو به پیروی از نظامی پنج گنجی سروده است. همای و همایون، گل و نوروز، کمال‌نامه، گوهرنامه، روضة‌الانوار. همای و همایون و گل و نوروز بزم‌نامه‌اند. روضة‌الانوار به شیوه گنجینه رازها یا مخزن‌الاسرار نظامی در ادب آموختاری و راهنمون و اندرزین سروده شده است. کمال‌نامه هم با سیر العباد الی المعاد از سنایی سنجیدنی است. گوهرنامه که در گونه خودبی همتاست، درپیوسته‌ای است که زمینه‌ای نوآیین و بی‌پیشینه دارد و تبارنامه است. به بهانه یکی از دستوران (وزیران) نامدار روزگار خود که ستوده خواجو بوده است و تبار آن وزیر که به خواجه نظام‌الملک توسی می‌رسیده است، در این درپیوسته بازنموده و ستوده شده است. از همین روی آن را گوهرنامه نامیده است که گوهر در آنجا در معنی تبار، دودمان و نژاد است.

هیچ یک از این درپیوسته‌ها، رزم‌نامه نیست و پیوندی با جهان حماسه ندارد. پس سام‌نامه از کیست؟ پاره‌ای از پژوهندگان ادب در پاسخ به این پرسش انگاره‌ای هوشمندانه دارند. آنان بر آن رفته‌اند که سراینده سام‌نامه سخنوری از سده دهم به نام خواجوی شاهنامه‌خوان کراتی بوده است که شاید از «کرات» که نام شهر کی در بخش‌های شمالی ایران امروز است، بوده باشد. او بر پایه همای و همایون خواجو با دیگر کردنام‌ها، این رزم‌نامه را سروده است. چون نام خویش را که خواجو است در بیتی از این رزم‌نامه آورده است، همه زیست‌نامه‌نویسان سام‌نامه را به خواجوی کرمانی باز خوانده‌اند. سخنوران بزرگ بر دیگر سخنوران که نام و آوازه‌ای بلند ندارند، سایه‌ای ستبر می‌افکنند. نمونه‌ای دیگر خیام است که هر کس چارانه (رباعی)ای نغز، ناب و نوآیین از کسی شنیده یا در جایی خوانده باشد، آن را به خیام باز گردانیده است. پاره‌ای از سروده‌های سخنورانی دیگر که همنام خواجو بوده‌اند، به دیوان او راه جسته است.

■ **چامه خواجو گونه‌ای از چامه‌سرایی نگارین است**

خواجو چامه‌سراست. هر چند در دیگر کاربردهای سخن پارسی هم به کام‌رایی طبع آزموده است، برترین آفریده‌ها، چامه‌های اوست. یکی از چامه‌های خواجو آوازه‌ای بلند یافته است، چامه‌ای که آغازگر و بنیان‌گذار آن خود خواجوست. چامه خواجو گونه‌ای از چامه‌سرایی نگارین، هنرورزانه یا فنی را پایه ریخته است. من این گونه از چامه را «شترحجره» می‌نامم. خاستگاه و انگیزه این نام هم این است که خواجو در این چامه همواره و در همه لخت‌ها کوشیده است که شتر و حجره را به کار ببرد. دو واژه‌ای که هیچ پیوندی با یکدیگر ندارند. اگر شما شتری را در حجره‌ای ببینید، بی گمان شگفت‌زده خواهید شد و خواهید پرسید که شتر در حجره به چه کار آمده است؟ خواجو از آن روی که چیرگی و استادی خود را در سخن پارسی بی چندوچون، آشکار بدهد، شترحجره سروده است. آغازینه شترحجره خواجو این است: به نوروزی بیا یارا بیارا اشتر و حجره / که آرایند بهر تماشا اشتر و حجره

سخنوری دیگر کم و بیش هم روزگار با خواجو، کاتبی ترشیزی شترحجره‌ای دیگر با این آغازینه سروده است:

مرا دمی است شتردارها به حجره تنگ
شتر دلی نکنم، غم کجا و حجره من

نویسنده و سخنوری کم‌نام‌تر، زین‌الدین محمود واصفی که تاریخ‌نامه‌ای شکرین و شیوا به نام «بدایع الوقایع» نوشته است که بیش به داستانی دلکش می‌ماند تا به تاریخ، همچنان کوشیده است در چامه‌ای با حجره بپیوندد. آغازینه چامه او این است:

ببند بر شتر باد خاک حجره تن
شتر در آب فنا را حجره آتش زد

واپسین پیرو خواجو در سرودن شترحجره، مولانا حسام‌الدین خوسفی است که می‌توانیم او را پایه‌گذار رزم‌نامه‌های دینی بدانیم. رزم‌نامه‌ای با نام «علی‌نامه» یافته شده و به چاپ رسیده است که پیشتر از رزم‌نامه حسام‌الدین است، اما در تاریخ سرایش آن چندوچون بسیار است. نخستین رزم‌نامه دینی که تاکنون یافته شده است، «خاوران‌نامه» این سخنور است. دیوانی است ستبر. او هم شترحجره دارد. در بیت‌های فرجامین این شترحجره از خواجو به نام یاد کرده است.

■ **نگاره و انگاره‌ای پندارینه در سنجش خواجو و خواجه**

اما اگر بخواهم خواجو و خواجه را در شیوه سخنوری با یکدیگر بسنجم، می‌انگارم که شایسته‌ترین شیوه در این سنجش آن است که آنچه را سخنوری ناشناخته در بیتی درباره این دو بزرگ به نام ادب گفته است، به زبان ببرم. این بیت باز خوانده به حافظ است، اما هر آیینه از او نیست. به گمان بسیار کسی این بیت را سروده است چون در آهنگ و قافیه با غزلی از حافظ همساز و هماهنگ بوده است، به دیوان او راه جسته و این غزل آمده است. اما آنچه در این بیت آمده است از دید سخن‌سنجی و ادب‌دانی بسیار باریک و بهین و به‌آیین است.

استاد سخن سعدی است نزد همه کس اما
دارد غزل حافظ طرز غزل خواجو

دو غزل سرای نه بی‌مانند در سخن پارسی که در گستره ادب گیتی، یعنی سعدی و حافظ، در این بیت با یکدیگر سنجیده شده‌اند؛ از سوی دیگر دو شیوه، دو سامانه و دو دبستان در غزل سرایی پارسی دبستان سعدی و دبستان حافظ با هم سنجیده شده‌اند. چند سال پیش در سخنی دیگر که می‌راندم از نگاره و انگاره‌ای پندارینه در سنجش این دو شیوه غزل سرایی بهره جستم و گفتم: غزل سعدی به مرغزاری پهناور، سرسبز، زیبا، چشم‌نواز و دل‌انگیز می‌ماند که در پرتو خورشید دامان گسترده است. شما اگر بر پشته‌ای بایستید و این مرغزار را بنگرید، با همان نگاه نخستین همه آن را در خواهید یافت، خواهید شناخت و فرو خواهید گرفت. به شگفت خواهید ماند از آن مایه زیبایی و دلارایی. اما غزل حافظ به بیشه می‌ماند. هرگز هیچ نگرنده‌ای به هر پایه هم که تیزبین باشد و ژرف‌کار و نهان‌کاو، نمی‌تواند نه تنها در نگاه نخستین، در نگاه‌های گونه‌گونه‌پی در پی، بیشتر ارابدان‌سان که هست ببیند و بشناسد. بیشتر نهان‌خانه راز است. در هر گوشه‌ای از بیشه رازی در کمین است تا به ناگاه بر جهد، سر بر آورد و بیشه‌گرد را بهراساند و در شگفت بیفکند. راز بیشه هرگز به یک بارگی آشکار نخواهد شد. بیشه جایگاهی است آرمانی برای جویندگان و پویندگانی که در پی آنند که قلمروهای ناشناخته، ناپسوده و ناپیموده را بشناسانند. زیرا هر زمان گام در بیشه بنهند به ناچار با قلمرویی از این دست رویاروی خواهند بود. از این دید می‌توانیم غزل حافظ را با غزل خواجو بسنجیم. اما غزل خواجو یا از نگاهی فراختر، شیوه سخنوری او به بیشه‌ای می‌ماند که هنوز درختان در آن تنک‌اند و کوتاه. سایه می‌افکنند اما این سایه ستبر و فراگیر نیست. غزل حافظ بیشه‌ای است انبوه، دیرسای، با درختان تناور و بالابلند و خورشید به نیرو می‌کوشد راهی به این بیشه بجوید اما بیشتر ناکام می‌ماند. اگر به بیشه رفته باشید با پدیده‌ای شگفت در گیاه‌شناسی دیدار می‌توانسته‌اید کرد. گیاهان خرد و بیشتر پیچان از گونه تاک را می‌بینید که با صدها پیچ فرا رفته‌اند تا مگر از روزنی راه به آفتاب بیابند. درست است که غزل خواجو بیشه است، اگر چندی در این بیشه بمانیم کما بیش آشنای آن می‌شویم. اما بیشه‌ای که غزل حافظ است، همواره ناشناخته می‌ماند. از همین روست که شما بیتی از خواجه را می‌خوانید و معنایی از آن می‌ستانید. آن بیت را می‌گذارید، دیگری همان بیت را می‌خواند، معنایی دیگر و گزارشی دیگر از آن به دست می‌دهد، هر دو هم پای می‌فشارند که آنچه من یافته‌ام درست است، اما هنگامی که سخن‌سنج و هنرشناس بیت را می‌کاوند، سرانجام هر دو به این باور می‌رسند که بیت هر دو گزارش را برمی‌تابد. شاید سومین بیت را بخوانید و به گزارشی دیگر برسد. (به نقل از موسسه فرهنگی شهر کتاب)

گزارش جلسه

آناناس در حوزه هنری مشهد

نسیم سهیلی- جلسه نقد و بررسی کتاب «آناناس» اثر وحید حسینی ایرانی روز سه شنبه ۲۰ تیرماه با حضور نویسنده و منتقدان مشهد در حوزه هنری خراسان رضوی در ساعت ۱۸ برگزار شد.

■ **وضعیت ناگوار داستان در ایران**

نویسنده کتاب آناناس در جلسه نقد و بررسی این کتاب گفت: بیش از ۱۸ سال است که در حوزه نگارش داستان فعالیت می کنم و بیشتر با نوشتن داستان های کوتاه شناخته شده‌ام.

وحید حسینی با اشاره به اینکه در چند سال اخیر وضعیت داستان کوتاه ایرانی اسفناک بوده است، افزود: هنگامی که برای چاپ کتابم به ناشر مراجعه کردم، گفتند بازار داستان کوتاه در ایران خوب نیست و ما فقط رمان چاپ می کنیم اما بعد قرار شد داستانک هایم به چاپ برسد و این به دلیل تنبلی نسل جدید است که به خواندن داستان کوتاه رغبتی ندارد و داستانک را ترجیح می دهد.

■ **زیر ذره بین منتقدان مشهدی**

یک نویسنده و منتقد مشهدی در نقد کتاب آناناس گفت: نویسنده تک تک واژه های کتاب را با فکر و سنجیده انتخاب کرده است و داستان ها بیشتر فرم مینی مالیستی دارد که در انواع مختلف آن نگارش شده و این نقطه قوت کار است.

نجمه مولوی افزود: در داستان ها ما به دنبال زنجیره ای گمشده می گردیم که مخاطب باید آن را کشف کند این داستان ها را داستان «کف دستی» می نامند.

علی براتی کجوان، نویسنده کتاب «پسر من قاتل است» هم گفت: سادگی کتاب در ارتباط آن با مخاطب تاثیر گذار است و بسیاری از داستانک ها ظرفیت تبدیل شدن به داستان کوتاه یا بلند را داشته است.

حسی داستانی در تمام اثر جاری است و نویسنده تلاش کرده است فضا و دنیای پیرامونش را به دقت ببیند اما برخی از داستان ها تنها حسی گذرا ایجاد می کند.

سپس لیلا صبوحی خامنه، نویسنده کتاب «پاییز از پاهایم بالا می رود» گفت: برخی داستان ها ماندگار و برخی فرار است؛ همچنین تعدادی حالت معما گونه دارد و داستانک هایی نیز به مرز لطیفه نزدیک می شود. فاطمه خلخالی استاد، نویسنده کتاب «نزدیک تر بیا» نیز در ادامه این جلسه نقد و بررسی کتاب با اشاره به نثر روان فضاسازی و خوب و متنوع داستانک های این کتاب گفت: داستانک های کتاب آناناس در سه دسته خوب، معمولی و ضعیف که به سختی می توان نام داستانک را به آن اطلاق کرد، دسته بندی می شود. سروش مظفر مقدم، نویسنده نمایش نامه «این سر که نشان سرپرستی است»، در ادامه با اشاره به اینکه داستانک ها حشو و اضافه گویی کم دارد گفت: قاعده داستان های مینی مالیستی رعایت شده است اما همه آثار این کتاب را نمی توانیم داستانک بنامیم. سپس حسین عباس زاده، منتقد و نویسنده تاکید کرد: در داستان های مینی مالیستی به علت فشردگی روح اثر گرفته می شود و لذت داستان کوتاه را ندارد. کتاب دارای مضامین متنوعی است که با مخاطب ارتباط برقرار می کند بدون اینکه در گیر فرم های خاصی شود و ساده‌نویسی در آن رعایت شده است. در ادامه این جلسه دیگر منتقدان به فرم خوب داستان، حس قوی، دغدغه مند بودن و تعهد نویسنده به بیان معضلات اجتماع، شخصیت های واقعی، ذهن خلاق نویسنده در ساختن ایده های نووشتابزدگی در متن اشاره کردند. «آناناس» مجموعه داستان های خیلی کوتاه از وحید حسینی ایرانی است که نشر نون در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است.

۵۰ داستان و رمان ایرانی به پکن و فرانکفورت می‌روند

آژانس ادبی کیا پنجاه اثر از ادبیات معاصر ایران را در دو نمایشگاه امسال پکن و فرانکفورت عرضه می کند. لیلی حائری یزدی، مدیر آژانس ادبی کیا در گفت و گو با خبرنگار مهر با تاکید بر حضور این موسسه در دو نمایشگاه بین‌المللی پکن و فرانکفورت طی امسال، افزود: کاتالوگی تحت عنوان فروش حق نشر (کپی رایت) از سوی ما در این دو نمایشگاه ارائه خواهد شد که بیش از پنجاه عنوان کتاب در آن معرفی شده است.

وی افزود: آژانس ادبی کیا علاوه بر فهرست مورد نظر خود آثار نویسندگان مطرح ایرانی در حوزه ادبیات داستانی و رمان از جمله مجموعه داستان های کوتاه و دموکراسی یا دموقراضه از سید مهدی شجاعی، همسفران و لم یزرع از محمدرضا بایرامی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و برگزیده نهمین جشنواره ادبی جلال آل احمد، دشت‌بان نوشته احمد دهقان، قدیس نوشته ابراهیم حسن بیگی و برخی دیگر از کتاب های منتشر شده در انتشارات نیستان را ارائه خواهد کرد.

آگهی مناقصه

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه
۱	۷۹۵	شهرداری منطقه ۷ در نظر دارد زیرسازی و حمل گنداری معابر فرعی سطح منطقه ۷ را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.ets.mashhad.ir مراجعه فرمایید.

امور قراردادها و پیمانها منطقه ۷

اطلاعیه مهم

(قابل توجه مالکین واحدهای مطب پزشکان مشهد)

با عنایت به تبصره یک ماده ۲ قانون مدیریت پسماند مصوب ۸۳/۳/۱۷ پسماندهای پزشکی در زمره پسماندهای ویژه محسوب می گردد و با استناد به ماده ۷ همین قانون، مدیریت اجرایی پسماندهای مربوطه بر عهده تولید کننده خواهد بود:

مالکین محترم واحد/ ساختمان مطب پزشکان در صورت استفاده از ملک مربوطه جهت مطب خود و یا واگذاری واحد ساختمانی به مطب دندان پزشکان، متخصصین زنان و زایمان ، پزشکان عمومی دارای تزریقات و پانسمان برابر مصوبه شماره ۹۵/۷۵۴۶/۴/ش - ۹۵/۰۴/۲۱ سیاست های تشویقی و تنبیهی مدیریت پسماند (در صورتیکه پزشکان سطح شهر مشهد برای حمل و دفع پسماند خود اقدام به عقد قرارداد ننمایند مشمول پرداخت بهاء خدمات پسماند معادل ده برابر مبلغ مندرج در فیش عوارض نوسازی خواهند شد. از آنجایی که مطابق ماده ۱۳ قانون مدیریت پسماند، رها سازی و اختلاط پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها ممنوع می باشد، این سازمان آمادگی دارد جهت ارائه خدمات در قالب انعقاد تفاهم نامه جمع آوری، حمل و دفن جداگانه پسماندهای تولیدی مطب دندانپزشکان، متخصصین زنان و زایمان ، کارشناسان مامایی، طب سنتی و پزشکان دارای تزریقات و پانسمان همکاری نماید. لذا لازم است در اسرع وقت با مراجعه حضوری به سازمان مپ واقع در بزرگراه شهید کلانتری- بعداز پل حافظ - جنب معاینه فنی خودرو حافظ- اداره ساماندهی جزء ویژه پسماند عادی صنعتی و صنفی و یا از طریق مراجعه به پورتال سازمان مدیریت پسماند به نشانی wmo.mashhad.ir بخش خدمات الکترونیکی سامانه عقد قرارداد اینترنتی با پزشکان نسبت به عقد قرارداد اقدام نمایند.

شماره تلفن تماس سازمان: ۳۳۲۳۳۳۸۶-۳۳۲۳۳۳۸۲

اداره ساماندهی جز ویژه پسماندهای عادی و صنعتی

آگهی فراخوان

ردیف	شماره	موضوع فراخوان ارزیابی کیفی	رشته و پایه پیمانکار	محل اجرا	برآورد اولیه مناقصه یک ساله (ریال)	برگزار کننده	آخرین مهلت تحویل پیشنهادات
۱	۴۷۳	فراخوان ارزیابی کیفی انجام خدمات مراقبتی و حفاظتی در پایانه ها و ایستگاههای شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد	مجوز فعالیت در خدمات حفاظتی و مراقبتی تحت نظارت پلیس پیشگیری ناجا	استان خراسان رضوی- مشهد مقدس- محدوده خطوط ریلی درون شهری قطار شهری مشهد	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد	۹۶/۰۵/۰۵
۲	۴۷۶	فراخوان ارزیابی کیفی خدمات مسافری امور ایستگاههای خطوط ریلی شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد	حداقل رتبه ۷ گواهینامه تایید صلاحیت و رتبه بندی شرکتهای خدماتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی + گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی دارای اعتبار	استان خراسان رضوی- مشهد مقدس- محدوده خطوط ریلی درون شهری قطار شهری مشهد	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد	۹۶/۰۵/۰۵

نحوه خرید و تحویل اسناد: شرکت کنندگان می بایست نسبت به واریز مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ ریال جهت خرید اسناد ارزیابی به حساب شماره (۴۰۰۰۹۵۰۰۰) شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد نزد بانک تجارت شعبه مرکزی مشهد اقدام و نسبت به تکمیل و تحویل مدارک مورد نیاز اسناد ارزیابی به محل کارفرما حداکثر تا تاریخ ۹۶،۰۵،۰۵ اقدام نمایند.

برای اطلاعات بیشتر به آدرس www.metro.mashhad.ir و www.ets.mashhad.ir مراجعه نمایید.

ثبت نام کلیه مناقصه گران در سامانه vendor.mashhad.ir الزامی می باشد.

شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد

آگهی مناقصه عمومی

سازمان آتش نشانی مشهد

موضوع : خرید البسه ورزشی پرسنل سازمان آتش نشانی

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت ets.mashhad.ir مراجعه نمایید.

سازمان آتش نشانی مشهد